

دیدگاه اهل سنت در بارهٔ
مشاجرات و اختلافات میان صحابه کرام رضی الله عنه

تألیف:

ابو انس السید بن عبد المقصود

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت های مفید

www.aqeedeh.com

www.nourtv.net

www.islamtxt.com

www.sadaislam.com

www.ahlesonnat.com

www.islamhouse.com

www.isl.org.uk

www.bidary.net

www.islamtape.com

www.tabesh.net

www.blestfamily.com

www.farsi.sunnionline.us

www.islamworldnews.com

www.sunni-news.net

www.islamage.com

www.mohtadeen.com

www.islamwebpedia.com

www.ijtehadat.com

www.islampp.com

www.islam411.com

www.videofarda.com

www.videofarsi.com

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۳
فصل: فضائل اصحاب رسول الله ﷺ.....	۵
فصل: اصحاب کرام ﷺ در اعتقاد اهل سنت.....	۱۱
فصل: اقوال اهل سنت در خودداری و امتناع از وارد شدن به اختلافات صحابه ﷺ.....	۱۳
نصیحتی ارزنده.....	۲۲

پیشگفتار

إن الحمد لله نحمده ونستغفره ونستهديه ونعوذ بالله من شرور أنفسنا وسيئات أعمالنا من يهده الله فلا مضل له ومن يضل فلا هادي له وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأشهد أن محمدا عبده ورسوله أرسله بالهدى ودين الحق ليظهره على الدين كله ولو كره المشركون ونصلي ونسلم على خير خلقه محمد وآله وصحبه أجمعين.

اما بعد:

متأسفانه در سال‌های اخیر ایراد و بدگویی از اصحاب رسول الله ﷺ از جانب رافضی‌های جدید افزایش یافته و بعضی از نویسندگان و روزنامه‌نگاران هم با آنان همسو شده‌اند، و کار به جایی رسیده که شخصی مثل أسامه انور عکاشه در ملأ عام و روی بعضی از تلویزیون‌های ماهواره‌ای به طعن و بدگویی از یاران پیامبران خدا ﷺ می‌پردازد. در حقیقت این تهاجم ننگین بخشی از نقشه‌ای می‌باشد که جهت دور نمودن و فاصله گرفتن مسلمانان از اصحاب کرام ﷺ پی‌ریزی شده است. و علت چنین تهاجمی از قدیم معلوم بوده و بزرگ مردی همچون امام ابو زرعه رحمته الله پرده از روی آن برداشته آنگاه که می‌فرماید اگر کسی را دیدی که از اصحاب رسول اکرم ﷺ عیبجوئی می‌کند بدان که آن کس کافر و زندیق است که می‌خواهد سلف صالح این امت را لکه‌دار کند. و در واقع کلام امام ابو زرعه رحمته الله هدف کج اندیشان و گمراهان را روشن می‌کند که می‌خواهد از راه لعن و عیب جویی از جیل اولیه و پرورش یافته مدرسه وحی به اصل شریعت مقدس اسلام عیب وارد کنند. آن را فاقد اعتبار و ناکارآمد برای این دور و زمانه جلوه دهند. چون توانایی آن را ندارند که مستقیماً به شریعت اسلام حمله‌ور شوند و به امید خدا هیچ گاه موفق نخواهند بود. و بدین خاطر این رساله را نوشتم و اسم آن را «کف العصابة عما شجر بین الصحابة» گذاشتم که موقف و آراء اهل سنت را در خصوص آن روشن نموده‌ام.

از خداوند منان خواستارم که آن را در میزان حسناتم قرار دهد و عاقبت ما را ختم به خیر نماید.

فصل:

فضائل اصحاب رسول الله ﷺ

فضائل و حسنات اصحاب کرام ﷺ بحدی زیاد است که علماء و اندیشمندان اسلامی کتاب‌های قطوری را در مناقب آن‌ها برشته تحریر در آورده‌اند. هر چند مدح و ثناء اصحاب ﷺ در ضمن آیه‌های قرآن خود به تنهائی نشان افتخار و شایستگی آنان می‌باشد. خداوند متعال ایشان را در چندین جای قرآن توصیف می‌کند. و به ایشان وعده وارد شدن به بهشت را داده و رضایت و مغفرت خود را برای آنان در نظر گرفته است. خداوند می‌فرماید:

﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَنٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾
[التوبة: ۱۰۰]

«پیشگامان نخستین مهاجران و انصار، و کسانی که به نیکی روش آنان را در پیش گرفتند و راه ایشان را به خوبی پیمودند، خداوند از آنان خشنود است و ایشان هم از خدا خشنودند، و برای آنان بهشت را آماده ساخته است که در زیر (درختان و کاخ‌های) آن رودخانه‌ها جاری است و جاودانه در آنجا می‌مانند. این است پیروزی بزرگ و رستگاری سترگ».

﴿لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبُ فَرِيقٍ مِّنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ [التوبة: ۱۱۷]
«خداوند توبه پیغمبر و توبه مهاجرین و انصار را پذیرفت، مهاجرین و انصاری که در روزگار سختی از پیغمبر پیروی کردند بعد از آن که دل‌های دسته‌ای از آنان اندکی مانده

بود (از حق به سوی باطل) منحرف شود (در این حال) باز هم خداوند توبه آنان را پذیرفت، چرا که او بسیار دوستدار و مهربان است».

﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ ۚ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ ۖ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ ۚ ذَٰلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ ۚ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَرَرَجٍ ۖ أَخْرَجَ شَطْرَهُ فَفَازَ لَهُ ۖ فَاسْتَعْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ ۗ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾ [الفتح: ۲۹]

«محمد فرستاده خدا است. و کسانی که با او هستند در برابر کافران تند و سر سخت و نسبت به یکدیگر مهربان و دلسوزند ایشان را در حال رکوع و سجود می بینی. آنان همواره فضل خدای را می جویند و رضای او را می طلبند نشانه ایشان بر اثر سجده در پیشانیهایشان نمایان است این توصیف آنان در تورات است. و اما توصیف ایشان در انجیل چنین است که همانند کشتزاری هستند که جوانه های (خوشه های) خود را بیرون زده و آن ها را نیرو داده و سخت نموده و بر ساقه های خویش راست ایستاده باشد بگونه ای که برزگران را به شگرف می آورد تا کافران را به سبب آنان خشمگین کند. خداوند به کسانی از ایشان که ایمان بیاورند و کارهای شایسته بکنند آمرزش و پاداش بزرگی را وعده می دهد».

﴿لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَّنْ أَنْفَقَ مِن قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَتْلٍ ۚ أُولَٰئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِّنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِن بَعْدُ وَقَتْلُوا ۚ وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ ۚ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ [الحديد: ۱۰]

«کسانی از شما که پیش از فتح مکه به سپاه اسلام کمک کرده اند و از اموال را خود بخشیده اند و (در راه خدا) جنگیده اند (با دیگران) برابر و یکسان نیستند آنان درجه و مقامشان فراتر و برتر از درجه و مقام کسانی است که بعد از فتح (مکه در راه اسلام) بذل و بخشش نموده اند و جنگیده اند. اما به هر حال خداوند به همه وعده پاداش نیکو می دهد و او آگاه از هر آن چیزی است که می کنید».

﴿لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصَرُونَ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ ﴿٨﴾ وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُخْجَلُونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٩﴾ وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ ﴿١٠﴾﴾ [الحشر: ۸-۹-۱۰]

«همچنین غنایم از آن فقرای مهاجرینی است که از خانه و کاشانه و اموال خود - بیرون رانده شده‌اند آن کسانی که فضل خدا و خشنودی او را می‌خواهند، و خدا و پیغمبر را یاری می‌دهند اینان راستانند. آنانی که پیش از آمدن مهاجران خانه و کاشانه (آیین اسلام) را آماده کردند و ایمان را (در دل خود استوار داشتند) کسانی را دوست می‌دارند که به پیش ایشان مهاجرت کرده‌اند، و در درون احساس و رغبت نیازی نمی‌کنند، به چیزهایی که به مهاجران داده شده است، و ایشان را بر خود ترجیح می‌دهند هر چند که خود سخت نیازمند باشند. کسانی که از بخل نفس خود، نگاه داری و مصون و محفوظ گردند، ایشان قطعاً رستگارند. کسانی که بعد از مهاجرین و انصار به دنیا می‌آیند، می‌گویند: پروردگار ما را و برادران ما را که در ایمان آوردن بر ما پیشی گرفته‌اند بیامرز. و کینه‌ای نسبت به مؤمنان در دلهایمان جای مده، پروردگارا! تو دارای رأفت و رحمت فراوانی هستی.»

﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ ءَاوُوا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ لَيْتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا ۚ وَإِنِ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُم مِّيثَقٌ ۚ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٧٢﴾﴾ [الأنفال: ۷۲]

«بی‌گمان کسانی که ایمان آورده‌اند و مهاجرت کرده‌اند و با جان و مال خود در راه خدا جهاد نموده‌اند و کسانی که پناه داده‌اند و یاری نموده‌اند برخی از آنان یاران برخی دیگرند و اما کسانی که ایمان آورده‌اند ولیکن مهاجرت ننموده‌اند ولایتی در برابر آنان ندارید تا آن گاه که مهاجرت می‌کنند، اگر به سبب دینشان از شما کمک و یاری خواستند کمک و یاری بر شما واجب است مگر بر علیه گروهی باشد که میان شما و میان آنان پیمانی [منعقد شده] است، و خدا به آنچه انجام می‌دهید بیناست».

و احادیث زیادی هم از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که در آن‌ها مدح و توصیف اصحاب کرام رضی الله عنهم و دوری از سب و بدگویی آنان بصراحت آمده است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «خَيْرُ النَّاسِ قَرْنِي، ثُمَّ الَّذِينَ يُلُونَهُمْ، ثُمَّ الَّذِينَ يُلُونَهُمْ قَالَ عُمَرَان، فَلَا أَدْرِي أَذْكَرَ بَعْدَ قَرْنِهِ قَرْنَيْنِ أَوْ ثَلَاثَةً»^۱: پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود، بهترین شما کسانی است که در قرن من و جزو اصحاب من است، بعد از اصحاب کسانی است که به دنبال ایشان می‌آیند و تابعین هستند و بعد از آنان تابع تابعین هستند، عمران بن حصین، می‌گوید نمی‌دانم پیغمبر صلی الله علیه و آله بعد از این آیا دو قرن یا سه قرن را ذکر نمود پیغمبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید، «لَا يَدْخُلُ النَّارَ، إِنْ شَاءَ اللَّهُ، مِنْ أَصْحَابِ الشَّجَرَةِ أَحَدٌ، الَّذِينَ بَايَعُوا تَحْتَهَا»^۲ انشاء الله هیچ یک از کسانی که زیر درخت بیعت الرضوان با من بیعت نمود به آتش جهنم داخل نمی‌شوند.

و در حدیث دیگر می‌فرمایند: «لَا تَسُبُّوا أَصْحَابِي، فَإِنَّ أَحَدَكُمْ لَوْ أَنْفَقَ مِثْلَ أُحُدٍ، ذَهَبًا مَا أَذْرَكَ مَدًّا أَحَدِهِمْ، وَلَا نَصِيفَهُ»^۳، «به اصحاب من دشنام و ناسزا نگوئید چون در صورتی که هر کدام از شما به اندازه کوه احد طلا را (در راه خدا) انفاق کند ثوابش به اندازه مستی یا نصف آنکه اصحاب (در راه خدا) می‌دهند نخواهد بود» چون آنان در حالی به پیامبر

۱- بخاری ۳۵۸/۵۱-۳۵۹ فضائل الصحابه (۳/۷) و مسلم از فضائل صحابه (۴/۱۹۶۴).

۲- رواه مسلم در فضائل الصحابه (۴/۱۹۴۲).

۳- رواه البخاری فی فضائل الصحابه (۲۱/۷) باز مسلم در فضائل الصحابه (۴/۱۹۶۷-۱۹۹۸).

خدا ﷺ ایمان آوردند که کسی ایمان نداشت و در حالی ایشان را یاری دادند که مردم قصد جان وی را کرده بودند.

عبدالله بن عمر رضی الله عنهما می فرماید، «لا تسبوا أصحاب محمد ﷺ فلمقام أحدهم ساعة خير من عبادة أحدكم أربعين سنة» (و در روایت دیگر می فرماید) «خير من عمل أحدكم عمره» به اصحاب محمد ﷺ ناسزا نگویید زیرا عبادت یک ساعت هر یک از آنان از عبادت چهل (۴۰) سال، (یا تمام عمرتان بهتر است).

رسول خدا ﷺ حب اصحاب را نشانه ایمان و بغض آنها را نشانه نفاق معرفی نموده، می فرماید، «آيَةُ الْإِيمَانِ حُبُّ الْأَنْصَارِ، وَآيَةُ النِّفَاقِ بُغْضُ الْأَنْصَارِ»^۱ «محبت و احترام انصار، کسانی که پیغمبر ﷺ و مهاجرین را یاری دادند نشانه ایمان، و بغض از آنها نشانه نفاق محسوب می شود.

و عن جابر رضی الله عنه قال: «اسْتَغْفَرَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَمْسًا وَعِشْرِينَ مَرَّةً»^۲ (جابر بن عبدالله رضی الله عنه می فرماید پیغمبر خدا ﷺ ۲۵ بار برای من از خداوند متعال طلب غفران کرد. رسول الله ﷺ بعد از فوت اصحاب هم برای آنان طلب رحمت و استغفار نمود، در حدیث عوف بن مالک آمده که به هنگام حاضر شدن پیامبر ﷺ بر جنازه یکی از اصحاب رضی الله عنه برای وی دعاء خواند. و ما قسمتی از آن را یاد گرفتیم که می فرمود خدایا او را بیامرزد و با او مهربان باش و عفو و مغفرت خودت را شامل حال وی قرار بده.^۳ بدنبال این احادیث و روایات که دال بر فضائل اصحاب است می توان نتیجه گرفت که افزون بر آن پیامبر خدا ﷺ برای آنان طلب مغفرت و رحمت کرده که این به نوبه خودش جایگاه

۱- امام احمد آن را در فضائل صحابه آورده (۱۵، ۲۰ ابن ماجه (۱۶۲) ابن ابی عاص در السنه (۱۰۴۰) با سند صحیح.

۲- بخاری (۶۲/۱) مسلم (۸۵/۱).

۳- ترمذی آن را روایت کرده و گفته حدیث حسن و صحیح ۳۸۵۳.

رفیع آنان را تثبیت می‌کند و شکی در آن نیست که پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله مستجاب الدعاء هستند و دعاء ایشان نزد رب العالمین مورد قبول واقع می‌شود.

از (ام سلمه رضی الله عنها) نقل شده که می‌گوید: «ما هیچ گاه غباری که روی موه‌های ایشان افتاده بود را فراموش نخواهیم کرد در حالی که رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمود: خدایا حقا که خیر و خوبی آخرت بهتر است، انصار و مهاجرین را بیامرزش»^۱ از عبدالله بن سرجس رضی الله عنه روایت شده که می‌گوید. «پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله را دیدم و با ایشان طعام خوردم و گفتم، خدا تو را ببخشد ای فرستاده خدا و ایشان فرمودند، خدا تو را هم ببخشد، عرض ایشان کردم که آیا برای شما استغفار کنم ایشان فرمودند آری و برای خود» سپس این آیه را تلاوت کرد. ﴿وَأَسْتَغْفِرُ لِدُنْيَاكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ﴾ [محمد: ۱۹].

فصل:

اصحاب کرام علیهم السلام در اعتقاد اهل سنت

در این فصل به توفیق خدا چکیده‌ای از باور و اعتقاد اهل سنت را درباره اصحاب کرام علیهم السلام، کسانی که مایه فخر و مباهات این امت اسلامی می‌باشند بیان می‌کنیم. بعقیده ما اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله فاضل‌ترین و بهترین مردم بعد از ایشان می‌باشند. خداوند متعال آنان را برای مصاحبه و رفاقت پیغمبرش اختیار نمود تا در مدرسه وحی و در نزد خاتم پیامبران (علیهم الصلاة والسلام) شاگردانی پرورش یابند که گل سر سبد تاریخ بشریت شوند. و نزد هیچ کسی پوشیده و مخفی نیست که خداوند متعال جز افراد فاضل و بزرگوار، چه از لحاظ دینی و چه از لحاظ حسب و نسب، را برای مصاحبت فرستاده خود، اختیار نمی‌کند.

پس ما هم آنان را دوست می‌داریم و به آنان احترام می‌گذاریم اما در مورد هیچ کدام از اصحاب علیهم السلام نه افراط و نه تفریط و سهل انگاری را به عمل می‌آوریم. هر چند معتقدیم که بعضی از آنها بر بعضی دیگر مقدم‌تر و بهترند برای نمونه خلفاء راشدین را به ترتیب که خلافت کرده‌اند باور داریم و هر کس در کل با اصحاب عداوت و کینه داشته باشد یا به آنان سب و ناسزا گوید. و یا افراط و غلو در مورد آنها داشته باشد چنین کسی از دید ما مبغوض و منفور و دور از روح تعالیم دین مبین اسلام می‌باشد زیرا برای هر کدام از آنها سابقه درخشان و حسناتی وجود دارد که جز انسان منکر و جاهل نمی‌تواند آن را انکار کند و در خصوص جنگ و جدالی که در بین آنها بوقوع پیوسته توقف و آن را در بین مردم منتشر نمی‌کنیم زیرا آن را حاصل اجتهاد طرفین می‌دانیم و هر کدام که اصابت کرده باشد دو اجر دارد، و در صورت خطاء فقط اجر تلاش و زحمت خود را می‌گیرد و افزون بر آن خداوند از آنها بخوبی نام می‌برد و به سبب استقامت و مصائبی که در

حیات داشته‌اند قلم عفو و مغفرت خود را روی گناهانشان کشیده و ما آن طور که خداوند ما را تعلیم نموده می‌گوییم.

﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾ [الحشر: ۱۰]

«پروردگارا، بر ما و بر آن برادرانمان که در ایمان آوردن بر ما پیشی گرفتند ببخشای، و در دل‌هایمان نسبت به کسانی که ایمان آورده‌اند [هیچ گونه] کینه‌ای مگذار. پروردگارا، راستی که تو رؤوف و مهربانی.»

پس لازم است که برای آنان دعاء کنیم و زبان خود را در مورد آنچه در بین آنان رخ داده سالم نگه داریم همچنانکه شمشیر ما در نزاع و کشمکش بین آن‌ها مشارکت نداشته و سالم مانده است. و بایستی باور داشته باشیم طبق شهادت و فرموده پیغمبر صلی الله علیه و آله آنان بهترین مردم پس از پیامبران صلی الله علیه و آله و بهترین قرن‌ها بوده‌اند و یقین داریم کسانی که ضعف و اشتباهات آنان را بارز و بزرگ می‌نماید، جزو گمراهان و اهل بدعت می‌باشند زیرا باید فضائل و رفتارهای حسنه آن‌ها را بازگو، و مجالس خود را با مناقب و زندگانی پر خیرشان مزین نماییم و معتقدیم که حب و بغض ما به نسبت آن‌ها روی ایمان و عقیده ما تأثیرگذار بوده و تبعیت و دوست داشتنشان باعث تقرب به درگاه خداوند، و قهر و کینه از آنان موجب عذاب الهی می‌شود، از خداوند متعال مسئلت داریم که ما را با اصحاب کرام محشور فرماید: و عذابش را شامل حال کسانی قرار دهد که با آنان عداوت و دشمنی دارند و یا آن‌ها را اذیت، و سب و ناسزا می‌گویند و یا حتی نسبت به آن‌ها کینه به دل گرفته‌اند، خداوند آنان را هدایت فرماید تا اصحاب کرام صلی الله علیه و آله را همان طور که خداوند و پیغمبرش صلی الله علیه و آله آن‌ها را معرفی کرده‌اند بشناسد.

فصل:

اقوال اهل سنت در خودداری و امتناع از وارد شدن به اختلافات

صحابه رضی الله عنه

در این بحث ما آراء و نظرات اهل سنت و جماعت را نسبت به خودداریشان از آنچه در بین اصحاب کرام رضی الله عنه گذشته نقل می‌کنیم تا عقائد اهل سنت را بیشتر روشن کرده باشیم. امام شهاب بن خراش رحمته الله می‌گوید از صالحین و پیشینیان این امت شنیده‌ام که می‌گفتند اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله را به شیوه‌ای در میان مردم و در مجالس خود ذکر کنید که دل مردم به آن‌ها الفت گیرد و ضعف و منازعه آن‌ها را بحث نکنید که مردم علیه آنان تحریک شوند.^۱ ابراهیم بن آزر فقیه: می‌گوید: در مجلس امام احمد بن حنبل نشسته بودم مردی از ایشان درباره جریان حضرت علی رضی الله عنه و حضرت معاویه رضی الله عنه سوال کردند. امام احمد به وی جواب نداد. به ایشان گفته شد ای ابو عبدالله آن مرد از خانواده بنی هاشم است، سپس امام احمد این آیه را برای او قرائت کردند: ﴿تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [البقرة: ۱۳۴]

و همچنین فرموده‌اند: دست ما به جریانات آن آلوده نگشته پس زبان خود را به آن آلوده نکنیم.^۲

مردی پیش امام ابو زرعه رحمته الله آمد و گفت من از معاویه تنفر دارم. ابو زرعه فرمود چرا، آن مرد در جواب گفت چون با علی بن ابی طالب رضی الله عنه جنگید. امام ابو زرعه فرمود

۱- سیر اعلام النبلا (۲۸۵/۸).

۲- آداب شافعی و مناقبه (۳۱۴) امام شافعی برای تعلیق نوشته و گفته این کار زیبا است زیر سکوت انسان از چیزی نیاز نیست صواب است.

پروردگار معاویه بسیار مهربان است و طرف مقابل وی که علی بن ابی طالب است مرد بسیار کریم است پس چرا تو در بین آنها دخالت می کنی^۱. امام ابو جعفر طحاوی رحمه الله می گوید ما اصحاب محمد رسول الله صلی الله علیه و آله را دوست داریم و درباره هیچ یک از آنان غلو و زیاده روی را جائز نمی دانیم و خود را از هیچ یک از آنها مبرا نمی سازیم، و هر کس که از آنها بغض در دل داشته باشد و ستمکارانه درباره آنان سخن گوید از او نفرت داریم. ما درباره اصحاب رضی الله عنهم جز به خیر و نیکی بحث نمی کنیم و حب آنها را ایمان و احسان، و بغض آنها را کفر و نفاق می دانیم، و هر کس درباره آنان و ازواج طاهرات رسول الله صلی الله علیه و آله قول حسن داشته باشد و به نیکی از آنان یاد بکند او را از نفاق بدور می دانیم^۲. امام ابن قدامه رحمه الله می گوید اقوال اصحاب کرام رضی الله عنهم و ذکر محاسن و اخلاقشان و طلب مغفرت برای آنها، و ترحم و مهربانی با آنها و خودداری از بزرگ نمایی نزاع و کشمکش آنان و اعتقاد به افضلیت برخی از آنها را سنت می دانم، چون خداوند متعال می فرماید:

﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾ [الحشر: ۱۰]

«پروردگارا، بر ما و بر آن برادرانمان که در ایمان آوردن بر ما پیشی گرفتند ببخشای، و در دلهایمان نسبت به کسانی که ایمان آورده اند [هیچ گونه] کینه ای مگذار. پروردگارا، راستی که تو رؤوف و مهربانی».

﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَرَرَجٍ أَخْرَجَ شَطْرَهُ فَفَازَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيُغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾ [الفتح: ۲۹]

۱- تاریخ دمشق - ابن عساکر الفتح (۹۳/۳).

۲- شرح عقیده طحاوی ص ۴۹۳.

«محمد صلی الله علیه و آله پیامبر خداست و کسانی که با اویند، بر کافران، سختگیر [و] با همدیگر مهربانند. آنان را در رکوع و سجود می‌بینی. فضل و خشنودی خدا را خواستارند. علامت [مشخصه] آنان بر اثر سجود در چهره‌هایشان است. این صفت ایشان است در تورات، و مثل آن‌ها در انجیل چون کشته‌ای است که جوانه خود برآورد و آن را مایه دهد تا سبتر شود و بر ساقه‌های خود بایستد و دهقانان را به شگفت آورد، تا از [انبوهی] آنان [خدا] کافران را به خشم دراندازد. خدا به کسانی از آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، آمرزش و پاداش بزرگی وعده داده است.»

در ادامه سخنانش امام ابن قدامه رحمته الله می‌فرماید خشنودی از زنان پاک رسول الله صلی الله علیه و آله که امهات مؤمنین بحساب می‌آیند و از هر گونه سوء بدور می‌باشند برای هر مسلمانی ضروری است.^۱ شیخ الاسلام ابن تمیه رحمه الله می‌گوید سلامت قلب و زبان درباره اصحاب کرام رضی الله عنهم جزو اصول اهل سنت و جماعت می‌باشند چون اهل سنت هر چه را که قرآن و سنت و یا اجماع در فضل و منزلت آنان بیان داشته‌اند قبول دارند و خود را از روش و عقیده روافض، کسانی که اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله را می‌بغضانند و یا آن‌ها را سب و دشنام می‌گویند مبرا می‌دانند و هم چنین از طریقه و رفتار کسانی که نواصب هستند و اهل بیت را با گفتار یا رفتار خود اذیت می‌کنند بیزارند، و در خصوص مشاجره بین اصحاب سکوت، و آثاری را که در این زمینه روایت شده بعضی را قبول و بعضی دیگر را مردود و کذب می‌دانند، ایشان را یا مجتهدانی می‌دانند که در راهشان اصابت کرده‌اند و یا بخطا رفته‌اند و در هر حال اجر اجتهاد دارند. و معتقد نیستند که آن‌ها معصوم و از هر گناه صغیر و کبیره بدور می‌باشند. بلکه می‌گویند جائز است باور داشته باشیم که آنان هم مرتکب گناه شده باشند، ولی چون سوابق درخشان و فضائل بسیار دارند خداوند آن‌ها را عفو می‌کند و یا آن‌ها را به مصیبتی در دنیا گرفتار می‌نماید که کفاره سیئاتشان گردد. و یا حسناتی را که در این دنیا انجام می‌دهند گناهانشان را محو و نابود می‌کند آن هم

بصورتی که برای هیچ کس دیگر در دنیا روی ندهد و ثابت گشته که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده «إِنَّهُمْ خَيْرُ الْقُرُونِ»^۱ (آنها بهترین قرن‌ها می‌باشند) و یک مشت صدقه آنان نزد خداوند متعال بهتر است از اینکه دیگران به اندازه کوه احد طلا و زیورآلات را صدقه کنند.^۲ و هر گاه مرتکب گناه شده باشند و یا خطا و اشتباهاتی در زندگی آنان رخ داده باشد رب العالمین گناهانشان را بواسطه استغفارشان و یا شفاعت پیغمبر صلی الله علیه و آله و یا با توجه به حسنات و سوابقی که داشته‌اند می‌بخشد. و هر کس با دید انصاف و با چشمان باز به سیره و زندگی آنان بنگرد آنگاه یقین پیدا خواهد کرد که چقدر اعمال صالحه، و علوم نافع و تلاش و جهاد را در راه خدا داشته‌اند و اندک گناهی را که بعضی از آنها مرتکب شده‌اند در صورتی که آن را در کنار این همه فضائل و محاسن قرار دهید چیز قابل ملاحظه‌ای نیست زیرا خداوند آنان را بهترین امت، و بهترین خلق بعد از پیامبران صلی الله علیه و آله معرفی کرده و آنان در میان تمام امتهای و قرن‌ها برگزیده شده‌اند و دیگر قومی پیدا نخواهد شد که مانند اصحاب کرام رضی الله عنهم را به چنین اوصاف و امتیازاتی موصوف باشد که خدا و رسولش صلی الله علیه و آله در مورد آنها بیان نموده‌اند.^۳

شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمته الله در ادامه سخنانش می‌فرماید ما معتقدیم که در خصوص نزاع و اختلافات که در بین آنها موجود بوده باید مواظب خود باشیم و درباره آنان بقضاوت نشینیم طرفی را عادل و طرف دیگر را ظالم معرفی نکنیم چون همچنانکه گفتیم آنها مجتهدانی بودند که در نظرات و آرائشان یا اصابت نموده‌اند و یا بخطا رفته‌اند

۱- بخاری (۳۶۵۱) مسلم (۲۵۳) (۲۱۲) از طریق ابن مسعود رضی الله عنه ابن حجر در مقدمه الاصابه (۱۳/۱) به تواتر آن تصریح کرده.

۲- بخاری (۳۶۷۳) مسلم ۲۲۲/۲۵۴۱ از ابی سعید خدری رضی الله عنه.

۳- العقیده الوسطیه ص ۱۱۵، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۲.

که در صورت اول دو اجر دارند و در صورت دوم یک اجر، هر چند بایستی باور داشت که بخشی از گفته‌ها و نوشته‌ها درباره حوادث و وقایع آن دوران دروغی بیش نیستند.^۱ علامه حافظ ذهبی رحمته الله می‌گوید: منهج ما، درباره اصحاب کرام رضی الله عنهم طلب مغفرت از خداوند برای آن‌ها و خودداری از مداخله و داوری کردن در خصوص جدال و منازعات آنان می‌باشد.^۲

وی می‌گوید: پناه بر خدا از اینکه بگوییم طرفداران زبیر رضی الله عنه یا لشکریان معاویه یا علی بن ابی طالب رضی الله عنه به جهنم داخل می‌شوند بلکه کارشان را به خداوند متعال حواله می‌کنیم و وظیفه ما محبت آنان و اینکه از خدا بخواهیم که گناه و اشتباهاتشان را به رحمت خویش عفو فرماید.^۳ و همچنین ذهبی می‌گوید: الحمد لله در زمان ما حق روشن، مآخذ و مصادر طرفین جریان مشخص شده‌اند پس باید میانه روانه آنان را دوست داشته باشیم و در مورد - اهل بغی بایستی تأویلشان را با دید مهربانانه نگریست و گناه و خطاء آن‌ها را پیش خداوند آمرزیده تلقی کنیم. و همچنانکه خداوند ما را تعلیم نموده بگوییم:

﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾ [الحشر: ۱۰]

«پروردگارا، بر ما و بر آن برادرانمان که در ایمان آوردن بر ما پیشی گرفتند ببخشای، و در دل‌هایمان نسبت به کسانی که ایمان آورده‌اند [هیچ گونه] کینه‌ای مگذار. پروردگارا، راستی که تو رؤوف و مهربانی.»

و خشنودیم از کسانی مثل سعد بن ابی وقاص، و ابن عمر و محمد بن مسلمه و سعید بن زید و غیره که با هیچ یک از طرفین قضیه همکاری نکرده‌اند و خود را از خوارج

۱- الوصیه الکبری ص ۴۱.

۲- سیر اعلام النبلاء (۳۹/۱).

۳- همان مصدر (۳۹/۱).

کسانی که از دین خارج شدند و با علی بن ابی طالب رضی الله عنه به جنگ برخاستند و هر دو گروه را تکفیر نمودند مبرا می‌دانیم، زیرا آنان قوانین دین را زیر پا گذاشتند و خود را هیزم آتش جهنم نمودند. ولی با این حال نمی‌توان با قاطعیت گفت که آنان تا ابد در دوزخ می‌مانند همچنانکه مشرکین و بت‌پرستان در آنجا خواهند ماند.^۱ و در ادامه سخنانش علامه ذهبی رحمته الله می‌گوید: هیچ کدام از اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله را جز به خیر و نیکی یاد نمی‌کنیم و از آنان راضی و خشنودیم. و درباره، «معاویه و یارانش می‌گوییم آن‌ها گروهی از مؤمنین می‌باشند که در حق امام علی رضی الله عنه ظلم و تجاوز کرده‌اند آن هم با توجه به صراحت فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله در خصوص، عمار که فرمود «تقتلک الفئه الباغیه» شما را ای عمار جماعتی ستمکار و باغی خواهند کشت، از خداوند متعال مسئلت داریم که از جمیع آنان راضی شود و ما را از کسانی قرار ندهد که نسبت به آنان حقد و کینه در دل دارند. و مشکلی در آن نیست که امام علی رضی الله عنه دارای فضیلتی بیشتر از کسانی است که با او جنگیده‌اند.^۲ ایشان همچنین می‌گویند: در برابر برخی از اقوال و روایاتی که در خصوص جنگ و جدال اصحاب رضی الله عنهم و در لابلای کتاب‌های تاریخی و یا در دیوان شاعران ذکر شده و مدام از طرف گمراهان و دشمنان تبلیغ می‌شود سکوت را جائز نمی‌دانیم زیرا بسیاری از آن‌ها که امروز در دسترس می‌باشند یا منقطع یا ضعیف و یا دروغی بیش نیستند. پس لازم است که این‌ها را پاکسازی کرد و یا حتی قسمت‌هایی را نابود کرد تا همگی بر محبت اصحاب کرام رضی الله عنهم و خشنودی از آن‌ها متحد باشیم و چنین روایات و اقوالی را بایستی در اختیار متخصصین و دانشمندانی قرار داد که توان تحلیل درست، و بدور از هر گونه هوای نفس و تعصب کورکورانه به مطالعه آن می‌پردازند و با توجه به سابقه درخشان، و فضائل بسیاری که اصحاب کرام رضی الله عنهم دارند چنین اشخاصی همیشه بر ایشان طلب مغفرت و رأفت را از خداوند مسئلت دارند و هیچ گاه آنان را به

۱- سیر اعلام النبلاء (۱۲۸/۳).

۲- سیر اعلام النبلاء (۲۱۰/۸).

خروج از دین و یا نفاق در اعتقادشان متهم نمی‌کنند. و ما از کسانی هم نیستیم که درباره اصحاب و یا یکی از آن‌ها غلو و افراط داشته باشیم و ادعاء نمی‌کنیم که معصوم و از هر گناهی مبرا هستند، ولی آنچه را که روافض و اهل بدعت در کتاب‌های خود نقل نموده‌اند خیلی از آن‌ها را دروغ و باطل و افتراء می‌دانیم. زیرا از عادت و روش آنان است که اقوال باطله و دروغ را روایت می‌کنند و هر طور که امکان داشته باشند به رد روایات صحیح و اقوال درست می‌پردازند.^۱ امام ابوبکر اسماعیلی درباره اعتقاد اهل سنت می‌گوید: اهل سنت و جماعت معتقدند که بایستی یادگیری و کسب علم را از جای خود اخذ کرد و در تعلیم و یادگیری علوم و تفسیر قرآن جدّیت بخرج داد و احادیث نبوی را استماع و جمع‌آوری کرد، و آثار و علوم اصحاب کرام رضی الله عنهم را شناخت و آن‌ها را فهمید و از مداخله در نزاع و مشاجره بین آنان امتناع ورزید و حکمیت و داوری درباره آن‌ها را به خداوند جلّ جلاله محوال کرد.^۲

علامه سعد الدین تفتارانی می‌گوید: احترام و تعظیم اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله و خودداری از سب و ناسزا نسبت به آنان و تأویل بعضی از افعالشان که باعث ظن و بدگویی به آنان می‌شود بویژه مهاجرین و انصار و اهل بیعت رضوان و کسانی که در جنگ‌های بدر و احد و حدیبه حضور داشته‌اند و آیات و احادیث زیاد و اجماع مسلمانان بر فضائل و علو مرتبه و منزلت آن‌ها دلالت دارند را واجب می‌دانیم.^۳

عبدالله بن سوار قاضی بصره که متوفی به سال ۲۲۸ هجری می‌باشد می‌گوید: نزد ما خلفای راشدین اولویت دارند و بعداً تمام اصحاب رضی الله عنهم را دوست داریم و از سوء نیت و طعن درباره آنان خودداری می‌کنیم.^۴ امام شافعی رحمته الله خطاب به، ربیع

۱- همان مصدر (۹۳/۱۰، ۹۳، ۹۴).

۲- اعتقاد اهل سنت ص ۵۹، ۶۰ ابوبکر اسماعیلی رضی الله عنه.

۳- شرح المقاصد (۳۰۳/۵) الوسی در صب العذاب آن را نقل کرده ص ۳۹۵-۳۹۶.

۴- تهذیب التهذیب (۲۴۸/۵ ابن حجر).

شاگردش می‌فرماید: سه چیز را از من یاد بگیر یکی اینکه درباره‌ی اصحاب رسول الله ﷺ مداخله نکنید چون طرف تو در قیامت شخص پیغمبر ﷺ خواهد بود. خود را به علم کلام مشغول مکن زیرا من چیزهای عجیبی را در آن یافتم وقت خودت را به علم نجوم مگیر زیرا به بطلالت و بن بست منتهی می‌شود.^۱ سفیان ثوری رحمه الله می‌گوید: به سلف صالح این امت سب و ناسزا نگوید تا به سلامت داخل بهشت شوید.^۲ علامه سفارینی رحمه الله می‌گوید: از دخالت بیجا در خصوص جریانات میان اصحاب ﷺ که منشاء آن اجتهاد طرفین بوده و دخالت تو خلاف حقایقی است که خدا و رسولش درباره‌ی آنان بیان فرموده امتناع کن، زیرا اهل حق و اجماع اتفاق نظر دارند در اینکه عدالت صحابه ثابت گشته و شهادت و روایات آنان مقبول می‌باشد و به این خاطر استادان و علمای ما مثل بقیه اهل سنت که یکی از آنان ابن حمدان می‌باشد در نهاییه المبتدئین اینگونه گفته‌اند: محبت جمیع اصحاب کرام و خودداری از دخالت درباره‌ی مشاجرات آنان به هر شیوه ممکن واجب است، و اگر حسنات و فضائل آن‌ها و خشنودی و علاقه به آنان و همچنین معذور دانستنشان در کارهایی که انجام داده‌اند و منشأ آن اجتهادی بوده که موجب کفر نیست، بلکه چون اجتهاد کرده‌اند در برابر آن ثوابت هم خواهند داشت. به دنبال این سخنان ابن حمدان گوید: آن کس که در اجتهادش اصابت نموده علی بن ابی طالب رحمه الله می‌باشد و کسانی که با او جنگیدند اشتباه کردند، پس برای آنان طلب مغفرت می‌کنیم. همچنین علامه سفارینی گوید: چیزی که اهل سنت و جماعت بر آن اجماع کرده‌اند و اتفاق نظر دارند واجب دانستن مدح و احترام همه اصحاب رسول الله ﷺ و متقی و عادل بودن آنان و امتناع از طعن دشنام دادن به آنان می‌باشد.^۳ شیخ عدی بن مسافر رحمه الله در بیان معتقدات اهل سنت می‌گوید: معتقد اهل سنت خودداری از ذکر جنگ و منازعات اصحاب رسول

۱- توالی التأسيس ص ۷۳ سیر اعلام النبلاء ۲۸/۱۰.

۲- شرح الابانه الكبرى ابن بطه ص ۲۵۷.

۳- لوامع الانوار البهيه (۳۸۵-۳۸۹ با تصرف و السنه) (۵۳۶-۵۹۲ عبد الله بن احمد).

الله ﷻ و انتشار محاسن و فضائل آنان است و به حقیقت خداوند متعال آنان را عفو کرده و جریان جنگ و جدال آن‌ها را به پیامبرش ﷺ خبر داده است.^۱ علامه حافظ ابن حجر رحمته الله فرموده: اهل سنت و جماعت اتفاق نظر دارند بر عدم طعن و سب هر یک از اصحاب کرام رضی الله عنهم بسبب وقایع و رخدادهای آنان هر چند که اصحاب حق مشخص شده باشد زیرا اجتهاد هر کدام از طرفین بوده و خداوند متعال نیز آنان را آمرزیده است.^۲

در ترجمه ابن الداعی آمده که حافظ ذهبی رحمته الله به نقل از ابو علی تنوخی او نیز به نقل از ابو الحسن بن ارزق می‌گوید: در خدمت امام عبدالله ابن الداعی بودم که ابو الحسن معتزلی از ایشان درباره طلحه و زبیر سوال کرد. ابن الداعی گفت معتقدم که هر دوی آنان از اهل بهشتند. ابو الحسن معتزلی گفت دلیل شما چیست، ابن الداعی گفت روایت شده که آنان توبه و استغفار نموده‌اند. و دلیل قوی من این است که خداوند به آنان وعده بهشت داده. ابو الحسن گفت: پس انکار نمی‌کنید در صورتی که کسی بگوید رسول الله ﷺ فرموده هر دوی آنان از اهل بهشتند اگر از دنیا چشم فرو بستند به بهشت می‌روند ایشان می‌گویند با توجه به اینکه مسلمانان این مژده پیامبر ﷺ را تا به امروز نقل کرده‌اند که می‌فرماید آن‌ها جزو عشره مبشره‌اند پس واجب است که رفتار و کردارشان به هنگامی که بسوی خدا باز خواهند گشت موافق مژده و بشارت رسول اکرم ﷺ باشد در پایان، شخص معتزلی از ابن الداعی تشکر کرد و قول وی را زیبا و بر حق دانست. در نتیجه محال است کسی که نظرش درباره طلحه و زبیر رضی الله عنهم این گونه باشد نسبت به ابوبکر و عمر رضی الله عنهما سوء نیت داشته باشد زیرا آن‌ها نیز جزو عشره مبشره به بهشت می‌باشند.^۳

۱- اعتقاد اهل سنه و جماعت ص ۳۸ شیخ عدی بن سافر تحقیق حمدی سلفی.

۲- فتح الباری (۳۷/۱۳).

۳- سیر اعلام النبلاء (۱۱۵/۱۶).

نصیحتی ارزنده

با توجه به اینکه دین ما بوسیله اسناد و مدارک صحیح و بر دوش علماء و بزرگ مردان این امت حمل شده و از آخرین فرستاده خدا یعنی خاتم پیامبران حضرت محمد ﷺ به ما رسیده و این خود مزیت و امتیازی است که سایر ادیان و امت‌های گذشته فاقد آن بوده‌اند و آنان در نتیجه فقدان چنین امتیازی دین خود را تحریف و تغییر داده‌اند و به پیامبران و صالحین خود چیزهایی را نسبت داده‌اند که هرگز آنان چنین چیزی را نگفته‌اند و بلکه به صاحب زمین و آسمان نسبت‌های ناروایی داده‌اند که خداوند سبحان هیچ گاه آن را نفرموده است، با ملاحظه چنین چیزی اهمیت و ارزش شناخت اسناد، و روایات معلوم می‌شود. خداوند «ابن المبارک» را بیامرزد که می‌فرمود: اسناد، و شناخت آن نزد من جزئی از دین محسوب می‌شود زیرا اگر اسناد نبود، هر کس هر چه را که دلش می‌خواست می‌گفت^۱. پس برای اثبات وقایع و رخدادها اعتماد بر روایت صحیح و محکم لازم و ضروری می‌باشد زیرا برخی افراد که نیت‌های سوء داشته‌اند سعی نموده‌اند که این دین را با مخلوط کردن احادیث دروغ و موضوع و اسرائیلیات و نسبت دادنش به رسول گرامی ﷺ و اصحابش ﷺ خدشه دار کنند، و متأسفانه بعد از آنان کسانی دیگر ناآگاهانه آن‌ها را انتشار و حتی به آن افزوده‌اند، ولی خداوند متعال برای این دین تمییز دهنده‌گانی از منتقدین و علماء بزرگ امت اسلامی را مسخر نمود، آنانی که وقت خود و حتی سرمایه و جانشان را برای دفاع از دین اسلام و رسول الله ﷺ و یارانش فدا نمودند و روایات باطل و دروغی را که به پاکی و فضائل اصحاب کرام ﷺ آسیب وارد می‌کرد کشف کردند. نصیحت من برای هر کس که طالب حق می‌باشد، این است که سعی کند در حد امکان و توانایی خودش روایات را اثبات و به درجه صحت برساند آنگاه به آن

۱- روایت مسلم در مقدمه صحیح مسلم رقم ۳۲.

استناد کند. زیرا چهره تاریخ اسلام بواسطه چنین مرویات باطله و کذب، که به اصحاب کرام علیهم السلام نسبت داده شده‌اند، و هدفشان لکه‌دار کردن سیمای آنان بوده مقداری غبار آلود گشته، و مدام دشمنان اسلام از مستشرقین و دیگران تلاش نموده‌اند که از طریق نوشته‌های خود یا بوسیله کسانی که زیر دست خود تعلیم و تربیت شده‌اند این گونه اخبار و روایات باطله را پخش و منتشر می‌کنند.

و حتی می‌شنوید که نام اسلامی را بر خود گذاشته‌اند و در ترویج مقاله و کتاب‌های گمراه‌کننده که به پیشینیان صالح این امت، طعن و بدگویی و بی‌احترامی روا می‌دارند کوتاهی نمی‌کنند. در واقع آنان، رافضی‌های جدیدی هستند که می‌خواهند هر فضل و کرامتی را از اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله که به مانند مشعل‌های فروزانی می‌باشند خاموش نمایند. اما خداوند منان بوسیله علماء و دلسوزان این دین، سد راه آنان خواهد شد. از جمله این کتاب‌های بی ارزش که به اصحاب علیهم السلام طعن می‌زند، کتاب «محمود ابی ربه» به نام «اضواء علی السنته» که نویسنده این کتاب بیشتر به ابو هریره رضی الله عنه حمله‌ور می‌شود و افزون بر آن ده‌ها حدیث صحیح را رد و به باد انتقاد می‌گیرد. و کتاب «الفتنه الکبری» و «علی و پسرانش» که نویسنده آن‌ها «طه حسین» است و بصورت عامل مستشرقین در بلاد عربی در آمده، و نوشته‌های خاورشناسانی مثل «مرگلیو و گولدتسهر» و غیره که هیچ گونه ورع و اعتقادی ندارند را، ترجمه و رد و بدل می‌کنند. پس اولاً بر ما واجب است که یکدیگر را نصیحت و سفارش به حق کنیم که از خواندن و مطالعه این گونه کتاب‌ها خودداری نماییم زیرا مطالعه آن‌ها انسان را قسی القلب و کینه‌توز می‌کند. آن هم به نسبت اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله. و هر کس که بخواهد این کتاب‌ها را مطالعه کند. بایستی باور استوار و محکمی داشته باشد و این نوع مطالعه برای هر کس میسر نمی‌شود جز برای شخصی که بتواند شبهاتشان را رد، و اشتباهاتشان را اصلاح، و نقشه‌هایشان را بر ملا نماید و مردم را از خواندن آن‌ها بر حذر دارد و زیاد اتفاق افتاده که یکی از علماء به مطالعه کتاب جدیدی پرداخته و مملو از بخش‌هایی بوده که اصحاب کرام علیهم السلام طعن و

ناسزا گفته ولی وی آن را مخفیانه قرائت نموده و اجازه نداده که در میان مردم منتشر بشود. تا به محبت و جایگاه یاران پیامبران صلی الله علیهم و آله و سلم خدشه وارد نشود. فرموده علامه ذهبی رحمه الله بسیار ارزشمند بود که فرمود: مدام در دیوان شعرا و کتاب‌های امروزی و از طرف عاملین بیگانه جنگ و جدال و مشاجرات اصحاب کرام رضی الله عنهم به گوش ما می‌رسد ولی اکثر نوشته‌ها دروغ یا ضعیف و یا منقطع می‌باشند و آنچه امروزه موجود است و مورد مطالعه و استفاده قرار می‌گیرد بایستی آن را پاکسازی و حتی برخی را معدوم نمود تا غبار حقد و کینه بر روی دل‌های ما ننشیند و بر خشنودی و محبت یاران رسول الله صلی الله علیه و آله با هم متحد باشیم و عقیده ما به شکلی باشد که خداوند به ما یاد داده آنجا که می‌فرماید:

﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾ [الحشر: ۱۰]

«پروردگارا، بر ما و بر آن برادرانمان که در ایمان آوردن بر ما پیشی گرفتند ببخشای، و در دل‌هایمان نسبت به کسانی که ایمان آورده‌اند [هیچ گونه] کینه‌ای مگذار. پروردگارا، راستی که تو رؤوف و مهربانی».

و آنان یعنی اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله دارای سوابق درخشان و فضائل ارزنده‌ای هستند که در واقع هر کدامشان مکفر و پاک کننده اشتباهات و اخطاء آن‌ها می‌باشند. علامه ذهبی در ادامه سخنانش و در ضمن بحث طولانی می‌گوید: آنچه را روافض و اهل بدعت در کتاب‌هایشان در خصوص نزاع و مشاجراتشان و طعن و بدگویی به صحابه نقل کرده‌اند در کل بی‌ارزش، و باطل و کذب محض می‌باشند، و داب رافضی‌ها روایت اباطیل و اراجیف و، رد آنچه را که در صحاح و مسانید آمده است می‌باشد^۱. سپس ایشان می‌گویند: عاقل کسی است که با نفس خود به مبارزه برخیزد، و از زیبایی‌های اخلاق

اسلامی است که انسان چیزی را که هدفش نیست ترک کند.^۱ در پایان می‌توان از کلام علامه ذهبی این نکات را بر داشت نمود.

- ۱- نزاع و مشاجرات اصحاب کرام^{علیهم‌السلام} در میان مردم پخش و منتشر نشود.
 - ۲- مخفی نگاه داشتن آن بر مردم و برخی از علماء.
 - ۳- به معدوداً افرادی اجازه مطالعه داده شود که انصاف دارند و بدور از هر گونه تعصب و کینه‌توزی و در نهایت احترام و استغفار برای صحابه به مطالعه آنها خواهند پرداخت.
 - ۴- عدم اعتماد و اعتبار مطالبی که در کتب اهل بدعت و روافض در این باره آمده است.
 - ۵- اکثر مطالبی که در مورد مشاجره اصحاب کرام^{علیهم‌السلام} آمده است دروغ و بدون سند می‌باشند.
 - ۶- لازم است که بعضی از این روایت‌های باطله و دروغ را نابود کرد زیرا از جمله علومی هستند که نشر آنها حرام می‌باشد.
- و علامه ذهبی^{رحمته‌الله} در جای دیگری می‌فرماید: از جمله علومی که پخش و نشر آن حرام است. داستان‌های باطله و روایات منکره و همچنین علوم و الهیات فلاسفه^۲، و سحر و سیمیا^۳ و شعبده بازی و حیل و پخش احادیث موضوع و سرگذشت پهلوانان و رسائل اخوان الصفاء^۴ و اشعاری که در آنها مخالفتی با پیامبر خدا^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} دیده می‌شود می‌باشند. در واقع علوم بیهوده و باطل فراوانند و هر کس که بخواهد برای آزمایش و شناخت، آنها را مطالعه و مورد بررسی قرار دهد بایستی کمترین وقت خود را به آنان

۱- همان مصدر.

۲- مانند علم کلام که سلف از آن خودداری می‌کردند.

۳- بخش از سحر یا شاید حيله و مکر باطلی بوده.

۴- مجموعه نوشته‌های است که از ملت‌های متنوع گرفته شد که مخالفات بسیاری در آن دیده می‌شود.

مشغول دارد و از خداوند متعال طلب مغفرت و آمرزش داشته باشد و هر گونه نفع و ضرر خود را از خدا و دعا و نیایش و فریاد رسی را برای ذات احدیت منحصر نماید.^۱ شهاب بن خراش رضی الله عنه سخن زیبایی را در این زمینه بیان داشته که می‌فرماید از سلف صالح این امت یاد گرفته‌ام که گفته‌اند در مجالس خود اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله را طوری نام ببرید و مناقب و فضائلشان را بحث کنید که دل‌ها به ایشان علاقمند شوند. نزاع و اختلافات آنان را بزرگ نکنید که مردم بر علیه، و ضد آنان تحریک شوند.^۲ و بسیار جای تعجب است از جرات و جسارت کسانی که درباره اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله هر طور دلشان بخواهد قلم خود را رها می‌گذارند و زبانشان آزاد و بدون علم و معرفت سخن می‌گویند. و برازنده این اشخاص است که این ضرب المثل معروف را بگویم «لیس بعشک فادرج إلی خُشک»^۳ درود خدا بر آن کس که گفت: من مردی هستم که در برابر کسی که به دینم طعن و بدگویی زند ملائم نیستم، و بر اسلام هم هیچ گونه طعن و بدگویی را روا نمی‌دانم، نه به ابوبکر و نه به عمر رضی الله عنهما سب و ناسزا نمی‌گوییم، و پناه بر خدا به عثمان بن عفان نیز دشنامگو نیستم، و تا روزی که می‌میرم و کفن می‌پوشم به پسر عموی پیغمبر صلی الله علیه و آله نیز ناسزا نمی‌گویم، و همچنین نسبت به خواری رسول الله صلی الله علیه و آله زبیر بن عوام و به طلحه مهربان خواهم بود.^۴ در واقع سلف و گذشتگان ما هر کس را که به اصحاب کرام رضی الله عنهم دشنام و ناسزا می‌گفت از مجلس خود بیرون می‌کردند. در زندگی نامه سلام بن سلیم حنفی که مکنی به ابو الاحوص می‌باشد و العجلی او را موثق و معتبر و تابع سنت خوانده آمده است که: هر گاه بیت او مملو از اصحاب حدیث می‌شد به پسرش احوص دستور

۱- مبر اعلام النبلاء (۶۰۴/۱۰).

۲- در سیره وارد شد (۲۸۵/۸).

۳- یعنی این لانه تو نیست به جای خود بازگرد و داخل شو - ضرب المثلی است که به کسی گفته می‌شود که به چیزی فتوا داده که درست نبود و غیره.

۴- از اشعار عبدالله بن المبارک، در سر آمده ۴۱۳-۴۱۴.

می‌داد که در میان حاضرین هر کس به اصحاب رسول الله ﷺ شتم و ناسزا گفت وی را از اینجا اخراج کنید.^۱ و حتی امام مالک رحمه الله فتوا داد که مسلمان باید از شهری که اصحاب کرام را طعن و ناسزا می‌گویند هجرت کند.^۲

می‌گویم پناه بر خدا اگر امام مالک مردم این دور و زمانه را میدید که بعضی‌ها به خالق آسمان و زمین ناسزا می‌گویند چه می‌گفت. شیخ خرقی رحمه الله صاحب «المختصر» که ابن قدامه آن را شرح نموده از شهر بغداد که مسکن وی بود هجرت کرد. زیرا شنیده بود در آنجا کسانی هستند که به اصحاب رسول الله ﷺ دشنام می‌گویند.^۳ و علماء اسلامی مردم را از روایت و نقل قول کسانی که نسبت به اصحاب کرام رحمه الله بی‌احترامی کرده‌اند بر حذر داشته‌اند: امام مسلم در مقدمه کتابش با سند صحیح ذکر می‌کند که عبدالله بن المبارک روزی بالای منبر رفت و فرمود از روایت و نقل احادیث عمرو بن ثابت دوری کنید زیرا وی به اصحاب رسول الله ﷺ سب و ناسزا گفته است.^۴ و عجب زیبا است قول امام ابو زرعه رحمه الله که فرمود هر گاه کسی را دیدید که به یکی از اصحاب رسول الله ﷺ طعن و ناسزا می‌گفت بدان که او زندیق می‌باشد.^۵

۱- السیر ۲۸۲/۸.

۲- ابن حجر، فتح الباری، کتاب الفتن.

۳- خرقی عمر بن الحسین رحمه الله، ابن کثیر در البدایه و النهایه از وی نقل سخن کرده (۶/۲۹۸).

۴- روایت مسلم رقم ۳۲.

۵- خطیب بغدادی با سند خودش در الکفایه روایت کرده ص ۴۹.